خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• شنبه، ۷ مهر ۱۴۰۳
• شماره ۲۱۵۹۳
• ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۶
• ۲۸ سپتامبر ۲۰۲۴

ناگهان شعر

حامد عسکری

از درد ترک خورده و از زخم کبودیم
کوهیم و تماشاگر رقصیدن رودیم
او می رود و هر وجبش لاله و نسرین
ما سنگ‌تر از قبل همانیم که بودیم
ما عزتمان بسته به این است بسوزیم
با داغ عزیزیم که خاکستر عودیم
تن رعشه گرفتیم که با غیر نشسته است
از غیر تمان بود، نوشتند حسودیم
جو گندمی از داغ غمش تار به تاریم
در حسرت پیراهن او پودبه‌پودیم
پیگیر پریشانی ما دیر به دیر است
دلتنگ به یک خنده او زود به زودیم
بر سقف اگر رستن قندیل فراز است
ما نیز همانیم، فرازیم و فرودیم
یک روز می‌آید و بماند که چه دیر است
روزی که بفهمد که چه گفتیم و که بودیم
بعد از تو اگر هم کسی آمد به سراغم
آمد ببرد آنچه ز تو تازه سرودیم

بازگشت ۱۱۰۰ لوح هخامنشی از آمریکا به ایران

همزمان با بازگشت رئیس جمهور از سفر نیویورک به ایران، ششمین محموله از الواح هخامنشی شامل ۱۱۰۰ لوح عیلامی به کشور بازگردانده شد. به گزارش ایسنا، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی اطلاع داد: این سوغاتی رئیس جمهوری نتیجه رایزنی‌های فشرده وزارت امور خارجه، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و معاونت حقوقی رئیس جمهوری با موسسه شرق‌شناسی شیکاگوست که اکنون محموله جدیدی از آن به ایران بازگردانده شده است.

این الواح بیشتر به خط میخی و زبان عیلامی یا آرامی در اشکال و ابعاد مختلف هستند که موضوعات آن‌ها عمدتاً درباره مدیریت منابع، راه‌ها، روابط اجتماعی، مایحتاج اساسی زندگی، دستمزدها و اقتصاد جامعه هخامنشی در زمان داریوش اول است.

در اسفند ۱۳۱۱ خورشیدی در کاوش‌های باستان‌شناسی باروی تخت جمشید حدود ۳۰ هزار لوح گلی مربوط به دوره هخامنشی به خط میخی توسط گروه باستان‌شناسی موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو (ارنست هرتسفلد) کشف شد. در سال ۱۳۱۴ خورشیدی پس از توافق دولت وقت ایران با موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو مقرر شد الواح برای ترجمه و مطالعه محتوای آن به موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به امانت سپرده شود که روند استرداد آن‌ها همچنان ادامه دارد.

پیش از این، پنج محموله از این الواح به ایران بازگردانده شده است. ۱۷۹ قطعه در سال ۱۳۲۷، ۳۷۰۲۷ قطعه در سال ۱۳۳۰، ۳۰۰ قطعه در سال ۱۳۸۳، ۱۷۸۳ قطعه در سال ۱۳۹۸ و ۳۵۰۶ قطعه در سال ۱۴۰۲ که این محموله نیز با پرواز ریاست جمهوری به ایران منتقل شد و حدود ۱۶۳ قطعه از آن، ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ همزمان با روز جهانی موزه و آغاز هفته میراث فرهنگی در ایران به نمایش گذاشته شد. به تشخیص باستان‌شناسان و زبان‌شناس‌ها، گل‌نبشته‌های هخامنشی یافته‌شده از باروی تخت جمشید به زمان داریوش بزرگ، بنیان گذار تخت جمشید (۵۲۲ تا ۴۸۵ پیش از میلاد) مربوط می‌شود.

علی دارابی، قائم‌مقام وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: طرف آمریکایی متعهد شده در بازه زمانی که مشخص است، بقیه الواح را به ایران برگرداند. او اضافه کرد: این الواح به موزه ملی ایران منتقل می‌شود و تا ۷۲ ساعت قرنطینه خواهد بود و پس از آن هیئتی از کارشناسان دوباره آن‌ها را خوانش می‌کنند. معاون میراث فرهنگی همچنین گفت: این الواح از دو هفته آینده برای عموم مردم قابل نمایش و بازدید است.

داستان از عمق خاک تا افلاک

گفت‌وگو با معصومه میرابوطالبی، نویسنده رمان «معبد زیرزمینی» که به تقریظ رهبر انقلاب آراسته شده‌است

الهه آرانیان
calture@khorasannews.com

رمان‌ها و داستان‌های ایرانی که با محوریت دفاع مقدس نوشته شده‌اند، از جمله آثار محبوب و پرفروش ادبیات داستانی در ایران بوده‌اند. برای نمونه می‌توان به آثار نویسنده‌هایی چون احمد دهقان، حبیب احمدزاده، رضا امیرخانی، داوود غفارزادگان، مجید قیصری و... اشاره کرد. در میان شش اثری که در حوزه جهاد و مقاومت منتشر شده و رهبر انقلاب به‌تازگی بر آن ها تقریظ نوشته‌اند، نام یک رمان به چشم می‌خورد. «معبد زیرزمینی»، نام اثر داستانی جذاب معصومه میرابوطالبی است که موضوع بکر و تازه‌ای را با محوریت جوانی به نام «الیاس» روایت می‌کند. شخصیت «الیاس» که جوانی دهه شصتی است، در ماجرایی در سال‌های جنگ با غلامحسین رعیت که یک مقنی بوده، آشنا می‌شود و این آشنایی باعث می‌شود که مخاطب، شخصیت این مقنی را که در یکی از عملیات‌ها در سال ۱۳۶۲ به شهادت می‌رسد، بشناسد. انتشارات کتاب جمکران در سال ۱۴۰۰ رمان «معبد زیرزمینی» را منتشر کرده‌است. در ادامه گفت‌وگوی ما را با معصومه میرابوطالبی، نویسنده رمان «معبد زیرزمینی» می‌خوانید.

لطفاً درباره موضوع رمان «معبد زیرزمینی» بیشتر توضیح دهید.

«معبد زیرزمینی» درباره تونلی است که مقنی‌های یزدی برای عملیات فتح‌المبین حفر کردند و موجب آزادسازی منطقه گسترده‌ای شدند. این منطقه، مسطح و عراقی‌ها بر آن مسلط بوده‌اند و ارتش ایران بدون دادن تعداد زیادی شهید نمی‌توانسته آن منطقه را پس بگیرد. عراقی‌ها از طریق یک بلندی بر آن منطقه مشرف بوده‌اند. این تونل در زیر زمین به طول ۴۰۰ متر حفر و باعث می‌شود این منطقه به دست ایرانی‌ها بیفتد.

چه شد که به این سوژه برخوردید؟

خود این هم داستانی دارد. من تا به حال در حوزه دفاع مقدس ننوشته بودم. دوستی داشتم که در جلسه‌ای این سوژه را شنیده بود و به من گفت. وقتی در جلسه‌ای درباره این موضوع و نگارش داستان آن صحبت شد، احساس کردم آن نویسنده‌ای که می‌تواند این داستان را بنویسد، من هستم. فکر می‌کردم این کاری است که من باید انجام بدهم. انگار سوژه خودش من را برای نوشتن انتخاب کرد.

مانند آثار دیگرتان، مخاطب این کتاب هم نوجوانان هستند؟

بله نوجوانان هم می‌توانند این کتاب را بخوانند. البته قهرمان اصلی داستان یک جوان ۲۰ ساله دهه‌شصتی است. خوشبختانه مخاطبان نوجوان هم خیلی خوب با کتاب ارتباط برقرار کرده‌اند.

چه شد که «الیاس» را با شهید رعیت همراه کردید؟

من برای بالا بردن جذابیت داستان، شخصیت جوانی به نام «الیاس» را با شهید رعیت، مقنی یزدی همراه کردم. الیاس، پسری است که مشکلات شخصی و خانوادگی دارد و طی ماجرایی با غلامحسین رعیت آشنا و همراه می‌شود و به جبهه می‌رود. ماجرایی که برای این پسر اتفاق می‌افتد، حفر تونل، شب عملیات و موفقیت‌آمیز بودن آن در رمان روایت شده‌است.

نگارش رمان چقدر طول کشید؟

پژوهش این کار دو وجه داشت؛ جنبه نظامی و دیگری جنبه آشنایی با کار مقنی‌گری و اسباب و ادوات آن. برای تحقیق درباره این‌ها زمان زیادی صرف شد و نگارش رمان دو سه ماه بیشتر طول نکشید.

تاکنون بازخوردهای مخاطبان چگونه بوده‌است؟

خوشبختانه موضوع رمان برای مخاطبان جذاب بوده و در پیام‌هایی که گرفته‌ام به این موضوع اشاره شده‌است.

قصد دارید باز هم در حوزه دفاع مقدس داستان بنویسید؟

بله یک کار دیگر در دست دارم. برای من عنصر جذابیت موضوع خیلی مهمی است. امیدوارم در کارهای بعدی هم بتوانم این موضوع را مدنظر قرار بدهم.

به نظر شما مستندنگاری و زندگی نامه‌نویسی درباره شهدا اثرگذارتر است یا رمان و داستان می‌تواند تاثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد؟

به نظر من رمان و داستان خیلی مهم است، ولی ما داستان‌نویس‌ها به مستندنگاری‌ها نیاز داریم. زمانی که مشغول تحقیق برای رمان «معبد زیرزمینی» بودم، می‌دیدم که چقدر جای مستندنگاری‌ها درباره آن خالی است. این عملیات در سال ۶۰ انجام شده بود و خیلی از همرزمان شهید رعیت و مقنی‌ها در طول جنگ شهید شده بودند. تعداد آدم‌هایی که می‌شد از آن‌ها پرس‌وجو کنم، خیلی کم بود. شاید اگر قبلا درباره این موضوع مستندنگاری شده بود، من می‌توانستم رمان بهتری بنویسم. مستندنگاری و رمان و داستان منافاتی با هم ندارند و هر دو می‌توانند اثرگذار باشند. این‌ها پایه خلق داستان و دیگر آثار هنری هستند.

احساستان از این که رهبر انقلاب کتابتان را خوانده و بر آن تقریظ نوشته‌اند، چیست؟

خیلی خوشحال شدم. اول از همه برای این که نام شهید مطرح شد تا آدم‌های بیشتری ایشان را بشناسند. کار شهید رعیت واقعا ارزشمند بود. این که نسل جوان ما این شخصیت را بشناسند، برای من خیلی مهم بود و باعث افتخار من است.

ما داستان‌نویس‌ها به مستندنگاری‌ها نیاز داریم. زمانی که مشغول تحقیق برای رمان «معبد زیرزمینی» بودم، می‌دیدم که چقدر جای مستندنگاری‌ها درباره آن خالی است. این عملیات در سال ۶۰ انجام شده بود و خیلی از همرزمان شهید رعیت و مقنی‌ها در طول جنگ شهید شده بودند. تعداد آدم‌هایی که می‌شد از آن‌ها پرس‌وجو کنم، خیلی کم بود. شاید اگر قبلا درباره این موضوع مستندنگاری شده بود، من می‌توانستم رمان بهتری بنویسم

معصومه میرابوطالبی متولد سال ۱۳۶۰ و دارای مدرک کارشناسی ارشد ادبیات کودک‌ونوجوان است. او پیش از نوشتن رمان «معبد زیرزمینی» در حوزه اساطیر و محیط‌زیست برای کودکان و نوجوانان داستان می‌نوشت و این کتاب اولین تجربه او در حوزه دفاع مقدس است که به گفته خودش قصد دارد نوشتن در این حوزه را ادامه دهد. از جمله آثار میرابوطالبی می‌توان از این کتاب‌ها نام برد: «مثل یک بوم سفید»، «از باغ ها به بعد»، «اژدهای دماوند»، «آن سوی دریای مردگان»، «پروفسور فوفو»، «هندوانه خوشحال»، «شهر من»، «عروسی در قوری»، «سفر دانه‌ای» و «جوجه‌های آفتاب‌پرست».

یک پنجره باش، روی دیوار دلم

نگاهی به کتاب «شبانه‌های سرگردان»، اثر سعیده موسوی‌زاده

نقد شعر

حیدر کاسبی
calture@khorasannews.com

«شبانه‌های سرگردان» مجموعه غزل، چهارپاره و رباعی‌های سعیده موسوی زاده است که در ۱۲۳ صفحه تنظیم و توسط انتشارات «مایا» در سال ۱۴۰۳ منتشر شده‌است.

مضامین چند بُعدی

حجم صفحات کتاب، بیشتر غزل‌های شاعر را در برمی‌گیرد و همان‌طور که مخاطب شعر کلاسیک از غزل انتظار یک نگاه تغزلی و عاشقانه را دارد، سعیده موسوی‌زاده هم با همین رویکرد دست به قلم شده و نگاه عاشقانه‌اش بر سایر نگرش‌ها در نوشتن غالب شده‌است:

«سفر بدون تو شاید به من امان بدهد
اگر چه تلخ، دلت را کمی تکان بدهد
برای راوی قصه چه تلخ و سوزنده است
به قهرمان خودش شهد شوکران بدهد»...

پرداختن به مفاهیمی مانند «وطن»، «مرگ» و «جنگ» چیزی است که از نگاه شاعر دور نمانده و موسوی‌زاده نخواسته کتابش صرفاً عاشقانه باشد. او با نوشتن شعرهایی با درونمایه‌های فوق، نگاهی چندوجهی را در کتاب ایجاد کرده‌است:

«در دامن تپه روستایی بود
در دامن روستا گل و ریحان
بعد از گل و سبزه، ریل فرسوده
آن سوتر ریل، نیز گورستان
وقتی که قطار می‌رسید از راه
آرامش مردگان به هم می‌خورد
در خط فرار مرده‌ای هر بار
از عمر دوباره جان به در می‌برد...
پل واسطه گذشته_آینده
از این همه ارتفاع می‌لرزید
پیوسته قطار حامل ارواح
از گور به سوی نور می‌لغزید»

تغییر قالب با هدف ایجاد جذابیت و نوگرایی

در بعضی جاها هم هنجارگریزی‌هایی در وزن و قافیه رخ داده و شاعر در برخی شعرها آگاهانه قالب معمول و متداول در شعر را به هم ریخته است.

مثلاً در یکی از شعرها علاوه بر این که در میانه‌های شعر، موسوی‌زاده از رسم‌الخط معمول غزل در قافیه و ردیف عدول کرده، در پایان همان شعر به جای یک بیت کامل با یک تک مصرع شعر را به پایان می‌رساند. البته که سعیده موسوی‌زاده اولین کسی نیست که این شیوه را در شعر اعمال می‌کند، اما نشان می‌دهد که ذهن پویا و چارچوب گریزی در نوشتن دارد و بدش نمی‌آید گاهی در نوشتن شعر با قالب‌های کلاسیک مرتکب نوپردازی‌هایی از این دست هم باشد.

آشنایی‌زدایی در غزل

آشنایی‌زدایی، شاید تکنیکی باشد که مخاطب امروز بیشتر از شعر سپید انتظار دارد، آن هم به‌واسطه باز بودن دست شاعر در قالب شعر نو که چارچوب نمی‌شناسد و ذهن او را برای انواع و اقسام هنجارگریزی، آشنایی‌زدایی و تکنیک‌هایی از این دست آزاد می‌گذارد. در شعر کلاسیک اما هستند شاعرانی که دست کمی از یک شاعر نوپرداز با ذهن آوانگارد ندارند و غزلشان را هم‌پای یک شعر نو امروزی تحویل مخاطب می‌دهند. این شیوه نونویسی در غزل که شاید بتوان شروع آن را به شکل جدی با شاعرانی مثل حسین منزوی متصور دانست، مخصوصاً در غزل «پلنگ» که نمونه بارزی برای یک غزل پیشرو با صور خیال متفاوت است، با شاعران معاصرتری ادامه یافت و این روزها دارد به اوج خودش می‌رسد.

سعیده موسوی‌زاده در کتاب «شبانه‌های سرگردان» نیم‌نگاهی به مقوله مهم آشنایی‌زدایی دارد و در جاهایی از کتاب از این موضوع بهره برده است:

«هوش از سر تو تا بپرد، شانه من هست
ای باغ کنارم بنشین هم‌وطنی کن»

در مصرع دوم اصطلاح «هم‌وطنی» برای باغ، بسیار خوش نشسته است و با آشنایی‌زدایی که ایجاد کرده، ذهن شنونده را درگیر می‌کند. یا در ادامه همین شعر آنجا که می‌گوید:

«می از لب هر پنجره آویخته شیراز
سرمست بهارانه بیا نسترنی کن»

عبارت «نسترنی کن» نیز همین وضعیت را دارد و گوش‌نواز به نظر می‌رسد. در پایان‌بندی شعر هم با یک بیت دیگر علاوه بر تضادی که بین واژگان «مرد» و «زن» می‌سازد، جسارتش را در مصرع دوم به رخ می‌کشد:

«با چرخش رقصانه‌ام از خویش تهی شو
مردی است اگر دوری و پرهیز، زنی کن»

حراج نقاشی کمیاب

یک تابلوی نقاشی کمیاب از مجموعه مشهور «پادشاهی نور» اثر «رنه ماگریت» راهی حراجی می‌شود. به گزارش خبرآنلاین، یک نقاشی کمیاب از مجموعه «پادشاهی نور» اثر «رنه ماگریت»، نقاش نامدار بلژیکی در حالی پاییز امسال در حراجی «کریستیز» در نیویورک به مزایده گذاشته خواهد شد که ارزش آن بیش از ۹۵ میلیون دلار برآورد شده است و در صورت به فروش رسیدن آن به این قیمت، رکورد فروش آثار این هنرمند سوررئال شکسته خواهد شد. «پادشاهی نور» (۱۹۵۴ میلادی) یکی از ۲۷ تابلوی نقاشی است که آسمان روشن را بر فراز یک خیابان تاریک به تصویر کشیده است. در سال ۲۰۲۲ بود که یکی دیگر از نقاشی‌های این مجموعه در حراجی «ساتبیز» در لندن به قیمت ۵۹/۴ میلیون پوند به فروش رسید و رکورد قبلی این هنرمند را سه برابر بیشتر کرد. نقاشی که پاییز امسال به مزایده گذاشته خواهد شد از مجموعه یک طراح داخلی ارائه می‌شود. البته علاوه بر این نقاشی «ماگریت»، آثار هنری دیگری از جمله آثار «خوان میرو» و «دیوید هاکنی» نیز از مجموعه هنری این طراح داخلی به مزایده گذاشته خواهد شد.